

تبیین تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان از ۱۳۸۱-۱۴۰۰

Inquiring into the Evolution and Revision of Higher Education Curricula in Afghanistan Post September ۱۱, ۱۰۰۱-۱۰۱۱

H. Rahyab, K. FathiVajargah, E. Jafari, N. Moosapour

Abstract: This Study aims to look into the evolution and revision of higher education curricula post-September ۱۱, ۱۰۰۱-۱۰۱۱. The study used a qualitative research method with a historical lens. The researchers have tried to show the revision of curricula in this period, which is known as the period of transformation, with an analytical point of view. The findings show that the revision of curricula after ۲۰۰۲ was considered one of the first priorities for the development of higher education. Although the Ministry of Higher Education started the program of restructuring higher education and revising curricula since ۲۰۰۲, its strategic plan was published after ۲۰۰۵ and was developed in ۱۰۱۵. The experience gained post-september ۱۱, ۱۰۰۱, from the curriculum planning of higher education, the transition from a relatively irregular curriculum planning system (As a result of the civil wars, the curriculum planning system was not uniform) to a centralized curriculum planning system. Finally, it was towards asking for opinions from professors and experts and handing over relative competence for curriculum planning to universities. The study found that ۱۶۵ majors were identified that needed to be reviewed; among them, the curriculum of ۷۱ fields of study was revised until ۱۰۱۱.

Key words: Curriculum, Higher education, Historical research, Revision

همایون رهیاب^۱، کورش فتحی واجارگاه^۲، اسماعیل

جعفری^۳، نعمت الله موسی پور^۴

چکیده: منظور از انجام این پژوهش، تبیین تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان بعد از سال ۱۳۸۱-۱۴۰۰ در افغانستان است. روش پژوهش کیفی از نوع تاریخی است و پژوهشگران تلاش نموده سیر بازنگری برنامه‌های درسی را در این دوره که به عنوان دوره تحول یاد می‌شود، با دیدگاه تحلیلی نشان دهد. نتایج نشان می‌دهد که بازنگری برنامه‌های درسی بعد از سال ۱۳۸۱ از نخستین اولویت‌ها در جهت تحول آموزش عالی شمرده می‌شد. اگرچه وزارت تحصیلات عالی از سال ۱۳۸۱ برنامه بازسازی آموزش عالی و بازنگری برنامه‌های درسی را در دستور کار گرفت، اما طرح راهبردی آن بعد از سال ۱۳۸۴ منتشر شد و در سال ۱۳۹۴ توسعه یافت. تجربه‌ای که بعد از سال ۱۳۸۱ از برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی حاصل می‌شود، گذار از یک نظام برنامه‌ریزی درسی نسبتاً غیرمنظم به سمت نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز و سرانجام به سمت نظرخواهی و واگذاری اختیارات نسبی برای برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها بود. در نتیجه ۱۶۵ رشته تحصیلی شناسایی شد که باید بازنگری می‌شد؛ از جمله آن برنامه درسی ۷۱ رشته تحصیلی تا سال ۱۴۰۰ بازنگری گردید.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، بازنگری، برنامه درسی،

پژوهش تاریخی.

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶

۲. دانشجوی مقطع دکترای برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، ایران، رایانامه:

hamayonrahyab۴@gmail.com

۳. استاد برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، ایران. (نویسنده مسئول):

kouroshfathi۲@gmail.com

۴. استاد برنامه ریزی درسی و مدیر منابع انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ایران. رایانامه:

phd_۱۳۶۲۸۷@yahoo.com

۵. استاد برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس. ایران، رایانامه:

n_mosapour@yahoo.com

مقدمه

برنامه‌های درسی ازجمله عناصر اساسی در نظام تعلیم و تربیت و به‌ویژه در آموزش عالی به شمار می‌روند که می‌توانند در بهبود و پیشرفت نظام آموزشی و تحول^۱ در اجتماع مفید و مثمر ثمر باشند. ازاین‌رو علی‌رغم سابقه نه‌چندان طولانی برنامه درسی^۲ در آموزش عالی، حیات و تداوم دانشگاه‌ها با مؤلفه طراحی برنامه درسی گره‌خورده است (هیکس^۳، ۲۰۰۷).

در دهه‌های آغازین قرن بیستم که مصادف با پیدایش رشته برنامه درسی است، نظریه‌پردازی‌ها و اقدامات عملی و حرفه‌ای تقریباً به شکل انحصاری معطوف به آموزش و پرورش عمومی بوده است. سابقه رویکردهای تمرکز گرایانه یا تمرکززدایی در قلمرو تخصصی برنامه درسی به نیمه دوم قرن بیستم برمی‌گردد. از دهه ۱۹۵۰ میلادی مراکز متعددی برای تولید برنامه‌های درسی و آموزشی شکل گرفت. در این مراکز برنامه‌های درسی عموماً توسط صاحب‌نظران با گروه‌های کارشناسی حرفه‌ای تولید می‌شده است. برنامه‌های درسی تهیه‌شده در این مراکز عمدتاً منطبق بر موقعیت‌های واقعی کلاس درس نبوده است و آموزش‌دهندگان تنها به‌عنوان اجراکننده و مصرف کننده برنامه درسی تولیدشده عمل می‌کردند (سابار^۴، ۱۹۹۷). در فاصله دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، ناکارآمدی برنامه درسی متمرکز مشخص گردید و در نتیجه فرصت‌های ممکن برای برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و با محوریت مراکز آموزشی در فرآیند برنامه‌ریزی

^۱- در چکیده به دوره تحول اشاره شده است: در این دوره آموزش عالی ظرفیت محدودش شکسته شد و رسالت خود را از سر گرفت. ۱۵۰ مؤسسه آموزش عالی دولتی و خصوصی تأسیس گردید. رشته‌های تحصیلی جدید ایجاد شد و برنامه‌های درسی بازنگری گردید. دسترسی به آموزش عالی افزایش یافت.

^۲- در چکیده به برنامه ریزی درسی غیر منظم اشاره شده است: در اثر جنگ‌های داخلی و حاکمیت احزاب سیاسی در مناطق مختلف، نظام برنامه‌ریزی درسی واحد نبود. برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها متفاوت از هم بودند.

^۳-Hicks

^۴-Team

^۵-Sabar

درسی، مشارکت افراد و گروه های گوناگون در تصمیم‌گیری برنامه درسی صورت گرفت (سابار، ۱۹۹۷). درحالی‌که تمرکزگرایی در تدوین عناوین و سرفصل‌های دروس رشته‌های دانشگاهی ادامه یافت که همواره مورد انتقاد کارشناسان و صاحب‌نظران بوده است (لادن سلیمی، کشتی آرای و فتحی واجارگاه، ۱۳۹۳).

از این‌رو، همان‌طوری که استارک^۱ (۱۹۹۷) اظهار می‌کند: تغییر و اصلاح در برنامه‌های درسی در کشورها و دانشگاه‌های پیشرفته جهان مطابق تحولات علمی و فناوری صورت می‌گیرد. چنین تغییری به‌نظام آموزش عالی کمک می‌کند تا نیازهای مربوط به جامعه را برآورده سازد. در صورتی‌که تغییر در خدمت اصلاح برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی باشد و موجب اثربخشی آن شود. با این حال یکی از مفاهیمی که در تغییر برنامه درسی مطرح می‌شود، اصلاح یا بازنگری است. اصلاحات شامل تجدیدنظر در سازمان و مؤسسه، ساختار نظام آموزشی و بازنگری برنامه درسی می‌شود (فولن^۲، ۱۹۸۵). در بسیاری از کشورها بازنگری و بهبود درس معمولاً بر عهده مدرس است، اما مسئولیت طراحی مجدد برنامه‌های درسی بر عهده کمیته‌هایی است که گروه آموزشی را به‌طور ویژه برای انجام این کار تشکیل می‌دهد. مشارکت اعضای هیئت علمی می‌تواند منجر به پیدایش درس‌های جدید، برنامه‌های درسی بازنگری شده مطلوب و نوآوری‌ها در تدریس شود که به نوع خود جالب و اثربخش خواهد بود (نصر، ۱۳۸۶). در واقع بازنگری و تغییر در برنامه‌های درسی بدون در نظر گرفتن علایق و ارزش‌های اعضای هیئت علمی میسر نخواهد بود (دیویس^۳ و رودز^۴، ۱۹۹۸). لادن سلیمی و همکاران (۱۳۹۳) به نقل از مازولی^۵ (۲۰۰۰) می‌نویسد: "اعضای هیئت علمی تأثیر زیادی بر برنامه‌ریزی‌های درسی و محتوای درسی در آموزش عالی دارند". لاوتن

^۱ - Stark

^۲ - Fullan

^۳ - Davis

^۴ - Rohdes

^۵ - Mazzoli

^۱(۱۹۸۳) براین عقیده است که برنامه درسی باید بر پایه فرهنگ هر کشوری شکل گیرد و در بازنگری برنامه درسی دانشگاهی لازم است نظام اجتماعی، اقتصادی، ارتباطات، فن‌آوری، اخلاقی، اعتقادی و زیبایی‌شناختی در نظر گرفته شود. همچنان در بررسی ماهیت تغییر برنامه درسی بر رابطه بین روند اصلاحات برنامه درسی و بافت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تأکید می‌شود که پاسخ‌گو به نیازهای جامعه باشد (ادام^۲، ۲۰۰۹).

بنابراین، پس از سال ۱۳۸۱، نبود برنامه‌های درسی به روز یکی از چالش‌های آموزش عالی افغانستان محسوب می‌گردید که اصلاح آن از نخستین اولویت‌ها در جهت تحول آموزش عالی شمرده می‌شد. برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان که از گذشته باقی مانده بود، اثربخشی آن را نداشت که پاسخ‌گوی نیازهای جامعه امروزی باشد. رهبری وزارت تحصیلات عالی^۳ با درک اهمیت بازنگری برنامه‌های درسی تصمیم گرفتند که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به طور مستمر برنامه‌های درسی خویش را مطابق اقتضای روز تغییر و تحول دهند. ازاین‌رو، نظام آموزش عالی افغانستان از گروه تا وزارت تحصیلات عالی، متعهد شدند که برنامه درسی تمامی رشته‌های آموزش عالی موردبازنگری قرار گیرد (ریاست برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸). بازنگری با طرح فراخوان کادرهای ملی اعم از استادان و متخصصین موضوعی آغاز گردید و ظاهراً بر اساس اصول آموزش دانشجو محور و مبتنی بر نتیجه به گونه یک بسته مدون، تمام رشته‌ها را شامل می‌شد (رهنمود بازنگری و انکشاف برنامه‌های درسی، ۱۴۰۰). در این برنامه ملی (بازنگری)، بر علاوه سایر برنامه‌های درسی رایج در آموزش عالی افغانستان، منابع معتبر رشته‌های مشابه در دیگر کشورها نیز مورد مطالعه و استفاده قرار گرفت (ریاست برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸).

ازاین‌رو، هدف اصلی این پژوهش بررسی روند بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی در آموزش عالی افغانستان است. برنامه‌های درسی نظام آموزش عالی، در دوره‌های مختلف

^۱ -Lowton

^۲ -Adam

^۳ - وزارت علوم

نویسنده اول: همایون رهیاب تبیین تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان...

به‌طور غیرتخصصی موردبازنگری قرار گرفته و به ساختارهای اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی-مذهبی توجه کافی نشده است. این یکی از دلایلی است که آموزش عالی افغانستان حداقل در سه دهه اخیر با مشکلات بسیاری مواجه بوده و برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها جهت تربیت دانش‌آموختگان ماهر که بتوانند متناسب با نیازهای جامعه جذب بازار کار گردند، پاسخگو نبوده است (اندیشمند ۱۳۸۹ و صمدی ۲۰۰۱).

بنابراین، مسئله پژوهش این بود که آیا در روند بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان که بعد از سال ۱۳۸۱ موردتوجه قرار گرفت، به بافت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی تأکید شده است؟ و برنامه‌های درسی مطابق معیارهای روز بازنگری گردیده که پاسخگوی نیازمندی جامعه ملی و حتی بین‌المللی باشد؟

این پژوهش از ابعاد مختلف حائز اهمیت است. قبل از پژوهش حاضر، پژوهشی علمی مرتبط به بازنگری، تحولات و جهت‌گیری‌های برنامه درسی در آموزش عالی افغانستان در این دوره انجام نشده است. چون این دوره به عنوان دوره تحول نقطه عطفی برای بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی بود که بعد از نیازسنجی، فرایند عملیاتی بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی در وزارت تحصیلات عالی از سال ۱۳۹۸ آغاز گردید و سپس ادامه یافت (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸) در شرایطی که برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان در حال بازنگری و اصلاح است، نیاز مبرم بود که این روند موردپژوهش قرار می‌گرفت که خوشبختانه بین سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۱ این پژوهش انجام شد. استفاده از نتایج آن که بازنگری و جهت‌گیری برنامه‌های درسی را در یک دوره تاریخی موردبررسی قرار می‌دهد، می‌تواند به اصلاح برنامه‌های درسی به سیاست‌گذاران آموزش عالی و برنامه‌ریزان درسی کمک کند.

روش انجام پژوهش

پژوهش موردنظر کیفی و از نوع تاریخی است. پژوهشگران تلاش نموده با بهره‌گیری از منابع و اسناد در دسترس سیر بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی را از سال ۱۳۸۱-۱۴۰۰ در افغانستان با دیدگاه تحلیلی نشان دهد. پژوهش تاریخی به بررسی موضوعات معین در مقطع زمانی مشخص می‌پردازد و پژوهشگران با ارزشیابی

صحت و سقم مطالب به تفسیر و تحلیل اطلاعات به دست آمده اقدام می‌کند. در همین راستا پژوهش تاریخی به متصدیان تعلیم و تربیت کمک می‌کند تا ضمن درک شرایط کنونی، بتوانند برنامه‌های مناسبی را برای آینده پیش‌بینی نمایند (گال^۱ و همکاران، ۱۳۸۶). برای بررسی تاریخی، جانسون^۲ (۲۰۱۲) چند مرحله کلی از مراحل که باید یک پژوهش طی کند به شرح زیر می‌پردازد. لازم به ذکر است که برخی از مراحل را که با یکدیگر همپوشانی نیز دارند، توصیه می‌کند:

✓ شناسایی عنوان، تدوین سؤالات و مسائل پژوهش

✓ جمع‌آوری داده‌ها و بررسی ادبیات پژوهش

✓ ترکیب داده‌ها

✓ آماده‌سازی گزارش

برای جمع‌آوری و بررسی ادبیات پژوهش از منابع دست‌اول و منابع دست‌دوم استفاده گردیده است. منابع دست‌اول عبارت از اسناد، مصوبه‌ها، آئین‌نامه‌ها، صورت‌جلسات، گزارش کمیته‌ها، رهنمودها و برنامه‌های درسی بازنگری شده و مدون به دست آمده از وزارت تحصیلات عالی و کمیسیون ملی نصاب تحصیلی به منظور بررسی روند بازنگری و مقررات موجود در مورد بازنگری برنامه‌های درسی بود. در این راستا پرداختن به تاریخچه آموزش عالی و بررسی برخی از تجارب بازنگری در داخل و خارج از کشور، از منابع دست‌دوم استفاده شد که شامل پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط، اسناد، کتاب‌های تاریخی، مجلات و وب‌سایت‌های دانشگاه‌ها بود. در ارزیابی منابع به دست آمده به نقادی بیرونی^۳ و نقادی درونی^۴ توجه شده است. هدف از نقادی بیرونی، معلوم ساختن منشأ منابع و اسناد است (گال و همکاران، ۱۳۸۶)، در صورتی که نقادی درونی کمک می‌کند تا اصالت به مطالب مندرج در منابع مورد مطالعه، ارزشیابی گردد.

^۱ - Gall

^۲ - Johnson

^۳ - External Criticism

^۴ - Internal Criticism

نویسنده اول: همایون رهیاب تبیین تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان...

درنهایت سیر تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان از سال ۱۳۸۱-۱۴۰۰، تبیین گردید.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد پس از سال ۱۳۸۱، نبود برنامه‌های درسی به روز و کمبود استادان متخصص و دارای تحصیلات تکمیلی یکی از چالش‌های آموزش عالی افغانستان محسوب می‌گردید که حضور آن‌ها نخستین اولویت‌ها در جهت تحول و ارتقای آموزش عالی شمرده می‌شد. طبق آمار سال ۱۳۸۴، در آموزش عالی افغانستان ۱۱۵ دکتر حضور داشت که دو نفر آن خانم بودند. این رقم ۵٫۸ درصد کل استادان آموزش عالی را تشکیل می‌داد. با توجه به این آمار، داشتن تحصیلات تکمیلی برای استادان یکی از اولویت در جهت ارتقای کیفیت آموزش عالی محسوب می‌شد (اندیشمند ۱۳۸۹ ص ۲۸۶-۲۸۷). اگرچه وزارت تحصیلات عالی از سال ۱۳۸۱ برنامه توسعه کارکنان، توان‌بخشی و بازسازی آموزش عالی را در دستور کار گرفت، اما طرح راهبردی آموزش عالی بعد از سال ۱۳۸۴ توسعه و منتشر شد. این طرح با همکاری متخصصان آموزش عالی خارجی و داخلی (صمدی، ۲۰۱۳). برای پاسخ به تغییرات عصر در نظام آموزش عالی، در سال ۱۳۹۴ توسعه یافت. وزارت تحصیلات عالی مجموعه‌ای سه برنامه راهبردی ملی آموزش عالی (NHESP^۱) را در این دوره توسعه داد (بابری و هیوارد، ۲۰۱۴؛ کوچ، ۲۰۱۸؛ هیوارد، ۲۰۱۵؛ طاهریار، ۲۰۱۷). برخی از شاخص‌های اصلی (دسترسی، کیفیت، ارتباط، برابری، یکپارچگی، شفافیت و خودمختاری نهادی) که در این برنامه‌های راهبردی برجسته شده بودند، نیاز به همکاری شرکای راهبردی داشت (وزارت تحصیلات عالی، ۱۳۹۵، ص ۴)، که در این عرصه آموزش عالی را پروژه‌های بانک جهانی (SHEP و HEDP)، USAID پروژه‌های

^۱ - National Higher Education Strategic Plan

^۲ -Daniel, Couch.

(HEP و USWDP)، آلمان پروژه (DAAD)، ژاپن پروژه (JICA PEACE)، و کشورهای هند، ترکیه، ایران، پاکستان، آسیای میانه، روسیه، مالیزیا و سایر کشورهای که همکاری با آموزش عالی داشتند، کمک می نمودند (ابراهیمی، ۲۰۱۴).

از اینرو، یکی از اولویت ها بازنگری برنامه های درسی بود. بازنگری و اصلاح برنامه های درسی فرایند طولانی داشت یافته ها نشان می دهد که فرایند بازنگری برنامه های درسی آموزش عالی از سال ۱۳۸۱-۱۴۰۰، در دو مرحله نیازسنجی و بازنگری انجام شده است:

مرحله نیازسنجی و بسترسازی برای تغییر برنامه های درسی

در این دوره برخی از مقامات ارشد دولت افغانستان به شمول ریس جمهوری وقت آقای غنی و وزیر تحصیلات عالی قبل از آغاز برنامه ملی بازنگری، تأکید روی بازنگری و تغییر برنامه های درسی در آموزش عالی داشتند. آقای غنی به تاریخ ۲۶ / ۱۳۹۶/۵ در مراسم آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ در سخنرانی خویش به بازنگری برنامه های درسی دانشگاه ها تأکید نمود. وی برنامه درسی دانشگاه ها را کهنه خوانده و خواستار برخی تغییرات شد. حتی برای بهترین طرح اصلاحی برنامه های درسی جایزه تعیین نمود. آقای غنی افزود: "ما باید دانشگاه های افغانستان را مطابق معیارهای بین المللی آماده سازیم. تأخیر در تغییر وضعیت آموزش عالی افغانستان فاجعه ملی است و دانشگاه ها نمی توانند مدیر خوب تربیت کنند. برنامه درسی آموزش عالی افغانستان کهنه است و قابل قبول نیست. دانشجویان ما اجماع کامل دارند که برنامه های درسی جوابگوی خواست ها و نیازمندی های شان نیست" (خبرگزاری صدای افغان آوا، ۱۳۹۶/۵/۲۶).

در همین زمینه وزیر تحصیلات عالی بر توسعه برنامه درسی آموزش عالی افغانستان، تأکید روی موارد زیر داشت: نیروی بشری آموزش دیده و متخصص یکی از عناصر اصلی توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورها شمرده می شود. بدون تردید توسعه همه جانبه افغانستان بدون حضور منابع بشری متخصص و متعهد امکان پذیر نخواهد بود. آموزش عالی معیاری،

وابسته به برنامه درسی به‌روز و جامع است که مبتنی بر نیازمندی دانشجویان در جامعه، منطقه و جهان و با معیارهای قبول شده ملی و بین‌المللی تنظیم گردیده باشد. وزارت تحصیلات عالی به‌منظور تحقق این امر مهم، گام‌های مؤثر و مفیدی را در جهت معیاری ساختن نظام تحصیلی کشور برداشته است. و برنامه درسی هماهنگ با معیارهای جهانی، افغانستان شمول و کاربردی را الزامی می‌داند. در برنامه راهبردی ملی وزارت تحصیلات عالی نیز، تدوین برنامه درسی معیاری برای تمام رشته‌های آموزش عالی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی مطرح نظر بود و به همین جهت "کمیسیون ملی نصاب تحصیلی" ایجاد گردید (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸).

کمیسیون کارش را از مرحله نیازسنجی آغاز نمود و باید به دو پرسش ذیل پاسخ می‌داد: آیا در جامعه و بازار کار به دانش‌آموخته‌های رشته تحصیلی موردنظر تقاضای مستمر و مؤثر وجود دارد؟ آیا امکانات و شرایط واقعی برای رشته تحصیلی موردنظر موجود است یا فراهم‌شده می‌تواند تا دانشجویان مطابق اهداف مطروحه نهاد تحصیلی تربیت شوند؟

نیازسنجی رشته با شیوه‌های مختلف (توزیع پرسشنامه، مصاحبه و دایر کردن جلسات با اعضای کادر علمی، دانش‌آموختگان، دانشجویان سال اخیر و نمایندگان ادارات ذی‌ربط دولتی و خصوصی و...) صورت می‌گرفت (رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، ۱۴۰۰).

اهداف

بعد از نیازسنجی، بازنگری ملی برنامه‌های درسی آموزش عالی روی تحقق اهداف زیر صورت گرفته است:

- بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها مطابق نیاز بازار کار کشور.
- بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی مطابق معیارهای جهانی.

علاوه بر آن، تمرکز بر خط مشی های دولت، و شناسایی رشته های جدید مورد ضرورت، از دیگر اهداف برنامه ملی بازنگری برنامه های درسی بود (گزارش ریاست انکشاف برنامه های علمی، ۱۳۹۹/۱۰/۷).



شکل ۱: اجزای برنامه درسی آموزش عالی

۱- از اینکه شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان و جهان در حال تغییر است و برنامه های درسی بنابر تعریفی سند "زنده" محسوب می شود، از این رو بعد از یک دوره اجرا و یا تطبیق، برنامه های درسی با در نظر داشت تحولات و نیازمندی های ملی و بین المللی دوباره بازنگری شده و اصلاحات لازم اعمال می گردد (گزارش ریاست انکشاف برنامه های علمی، ۱۳۹۹ / ۱۰ / ۱۷).

۲- مهم ترین موضوع در تعریف مشخصات برنامه درسی، توسعه اهداف و نتایج آن است. این اهداف و نتایج کلیه دانش و مهارت که دانشجویان قرار است فراگیرند و پاسخگوی نیاز بازار کار باشد، مشخص می کند. مانند، یادگیری مجموعه ای از دانش مرتبط به رشته تحصیلی؛ توانایی تحلیل و ارائه مسائل اساسی رشته؛ استفاده از معلومات برای حل مسائل، تبلور مهارت های عملی؛

توانایی ایجاد ارتباط مؤثر شفاهی و نوشتاری با دیگران؛ توانایی پیگیری انواع مختلفی از شغل‌ها و یا کار در شرکت‌های صنعتی؛ آمادگی برای پیشرفت در شغل مشخص؛ کار کردن مؤثر به شکل انفرادی و گروهی (رهنمود مرور برنامه‌های علمی، ۱۳۹۹ ص ۲۳-۲۴)؛ آگاهی از تنوع فرهنگی و حس وطن‌دوستی، روحیه ملی و اسلامی.

۳- در جریان بازنگری و معیاری سازی برنامه‌های درسی، روش‌های نوین تدریس و آموزش و استفاده از فناوری اطلاعاتی برای بهبود کیفیت تدریس و دسترسی سریع به منابع، مورد تأکید قرار می‌گیرد. به‌طور فشرده این روش‌ها را می‌توان قرار ذیل شمرد:

آموزش دانشجو محور^۱؛ آموزش مبتنی بر نتایج^۲؛ آموزش مبتنی بر حل مشکل^۳؛ آموزش مبنی بر مورد^۴ و آموزش الکترونیکی^۵ که مشمول تولید مواد درسی الکترونیکی^۶ و استفاده از فناوری و نرم‌افزار^۷ می‌شود.

۴- توجه به مهارت‌های دانشجویان در جریان بازنگری برنامه‌های درسی که باید دانشجویان فراگیرند نیز در نظر گرفته می‌شود و خلاصه آن قرار ذیل است:

رشد تفکر انتقادی^۱؛ مهارت استفاده از فناوری اطلاعاتی؛ مهارت محاوره و ارتباطات؛ آشنایی با کار گروهی و روحیه همکاری؛ تقویت خلاقیت و نوآوری؛

^۱ - Student Center Learning

^۲ - Outcome Based Education

^۳ - Problem Based Learning

^۴ - Case- Based Learning

^۵ - E-Learning

^۶ - E-Content Generation

^۷ - eDX, Courseware, LMS, Web portal

^۱ - Critical thinking

مهارت‌های حل مشکل؛ مهارت‌های آموزش مادام‌العمر^۱؛ و در آینده‌ها از آموزش مبتنی بر پژوهش^۲ استفاده صورت خواهد گرفت. علاوه بر موارد فوق، در گزارش ریاست انکشاف برنامه های علمی ادعا گردیده به معیارهای که توسط سازمان یونسکو به عنوان مهارت‌های قرن بیست و یکم تعریف گردیده نیز در جریان بازنگری برنامه‌های درسی پرداخته شده و تا حد امکان رعایت می‌گردد (گزارش ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۷/ ۱۰/ ۱۳۹۹).

مرحله بازنگری و تحول برنامه‌های درسی

روند بازنگری و توسعه برنامه‌های درسی با مرحله نیازسنجی آغاز گردید و منظور از آن تشخیص نیاز بازار کار و به روز شدن برنامه‌ها بود. در این مرحله، اعضای هیئت علمی مؤسسات آموزش عالی اعم از دولتی و خصوصی با ادارات ذینفع، نخبه‌ها و مراجع استخدام‌کننده نشست‌های مشورتی دایر نمودند. بعد از جمع‌آوری نظرات، آن را به عنوان مواد کار در کمیته های تخصصی^۳ رشته تحصیلی توسط متخصصین موضوعی مورد تحلیل و تجزیه قرار داده و در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی جدید از آن استفاده صورت می‌گرفت (گزارش ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۷/ ۱۰/ ۱۳۹۹).

ایجاد کمیته های تخصصی^۴ بازنگری و اصلاح برنامه درسی

وزارت تحصیلات عالی افغانستان در سال ۱۳۹۸، بازنگری و تجدید مستمر برنامه درسی آموزش عالی را در گروه‌های تخصصی برگزار نمود و هدف آن تدوین برنامه

^۱ - Life Time Learner

^۲ - Research Based Education

^۳ - کمیته های تخصصی که در اسناد کلستر (Cluster) های بازنگری برنامه های درسی نام برده شده،

عبارت از گروهی از افراد متخصص، مجرب و ذینفع در رشته مربوطه اعم از استادان صاحب نظر دانشگاه های دولتی و خصوصی، نمایندگان استخدام کننده (دولتی و خصوصی)، مشاورین خارجی، نماینده فارغ التحصیلان سال های اخیر و نماینده کمیسیون ملی نصاب تحصیلی اند که بعد از مرور سایر برنامه های درسی موجود و منابع بین المللی، نیازسنجی ها را کار شناسی نموده و در چندین مرحله برنامه های درسی را توسعه می دهند.

^۴ - Cluster

نویسنده اول: همایون رهیاب تبیین تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان...

درسی استاندارد در تمامی رشته‌های دانشگاه‌ها بود. کلیه رشته‌های تحصیلی کشور در گروه‌های تخصصی بازنگری نماینده داشتند که همه استادان دانشگاه‌ها بودند (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸). با در نظر داشت تعدد رشته‌ها، برنامه علمپانی بازنگری برنامه‌های درسی در ۳۴ کمیته تخصصی^۱ اصلی و ۱۶۴ کمیته تخصصی فرعی با حضور روسای دانشکده‌ها و اعضای هیئت علمی همان رشته‌ها، ذینفع‌ها، متخصصین موضوعی و مسئولین امور انجام می‌شد. در تمام کمیته‌های تخصصی بازنگری، تحقق اهداف ذیل مطرح بود:

- بازنگری درس‌ها به اساس تعداد واحد درسی و محتوای درس؛
- نیازسنجی جهت حذف و اضافه نمودن درس‌ها به اساس اولویت‌بندی نیازهای همان رشته؛
- ارزیابی درس‌های پیش‌نیاز؛
- تحقق اهداف آموزشی رشته با شیوه‌ها و مدل‌های جدید آموزش مبتنی بر نتایج و دانشجو محور؛
- همسان‌سازی نام درس‌ها، تعداد واحدها و کدگذاری درس‌ها؛
- تشخیص نتایج مورد انتظار از برنامه درسی و مطابقت آن با نتایج مورد انتظار رشته؛
- تغییرات، تعدیلات و تعویض نام درس‌ها به اساس پیشنهاد اعضای کمیته‌های بازنگری با استفاده از منابع معتبر کشورهای منطقه و جهان؛ ازدیاد، حذف و ادغام درس‌ها مطابق نیاز دانشجویان کشور، همسان‌سازی برنامه درسی با کشورهای منطقه و جهان و نیاز بازار کار (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸).

^۱ - Cluster

فرایند بازنگری برنامه‌های درسی در کمیته‌های تخصصی

تدوین و بازنگری برنامه درسی، فرایند طولانی دارد و با ایجاد کمیته‌های تخصصی در چهار مرحله به شرح ذیل اجرایی می‌گردد:

مرحله اول: متخصصین رشته‌های مربوطه (رؤسای دانشکده، مدیران گروه و تعداد از اساتید گروه مربوطه دانشگاه‌های دولتی و خصوصی) با حضور نماینده‌های ادارات ذینفع بعد از بررسی سایر برنامه‌های درسی موجود و مطالعه رشته‌های موجود در کشورهای جهان، برنامه درسی (ترم اول الی اخیر) را ترتیب و درس‌ها را مطابق لایحه "کریدت"^۱ به درس‌های اساسی، اختصاصی و همه‌شمول تقسیم‌بندی می‌نماید. نتایج کار دور اول کمیته‌های تخصصی طی نامه‌های رسمی جهت تدوین سرفصل‌های درسی و ابراز نظر به دانشگاه‌های دولتی و خصوصی و جمع‌آوری نظریات به سایر ادارات ذینفع ارسال می‌گردد.

مرحله دوم: در مرحله دوم نظریات واصله از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و ادارات ذینفع در کمیته‌های تخصصی مربوطه به بررسی گرفته‌شده، توحید می‌گردد و مطابق آن در سرفصل‌های درسی تغییرات لازم صورت می‌گیرد. سپس درس‌ها و فهرست مطالب آن با نظر داشت سلسله علمی و رعایت منابع جهانی تنظیم می‌گردد. برای هر برنامه درسی حداقل پنج منبع معتبر بین‌المللی به حیث مبنا استفاده گردیده و برای هر درس حداقل سه منبع (کتاب معیاری) به ترتیب منبع اصلی و کمکی تعیین می‌گردد.

مرحله سوم: در مرحله سوم تعداد محدود اشتراک کنندگان به شمول رئیس، معاون و منشی از هر کمیته تخصصی، اعضای کمیسیون ملی نصاب تحصیلی، طراحان و همکاران فنی، دعوت می‌گردد تا برنامه‌های درسی که قبلاً توسط کمیته‌های تخصصی تهیه گردیده را جمع‌بندی، تدوین، صحافت و طراحی نمایند.

^۱ - واحد درسی

نویسنده اول: همایون رهیاب تبیین تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان...

مرحله چهارم: برنامه‌های درسی نهایی شده بعد از تایید وامضای معین علمی^۱، توسط انتشارات وزارت یا سایر انتشارات به چاپ می‌رسد. بعد از چاپ، جهت اجرا در اختیار دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی قرار داده می‌شود و کاپی آن در وب‌سایت وزارت تحصیلات عالی جهت دسترسی دانشجویان، استادان و سایرین به نشر سپرده می‌شود (گزارش ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۹/۱۰/۱۷).

در جریان بازنگری برنامه‌های درسی توجه به مهارت‌های دانشجویان و روش‌های نوین تدریس امر الزامی پنداشته شده و اهداف آموزشی برای یک برنامه مهم و ضروری محسوب می‌شوند و مسائل ذیل را مشخص می‌سازند:

- نوع و سطح آموزشی را که دانشجویان قرار است به آن دسترسی داشته باشند؛
- ارائه اهداف استاندارد برای ارزیابی‌های تکوینی^۲، نهایی^۳ و ارزیابی قبل از آموزش^۴؛
- بیان واضح و مشخص توانایی‌های دانش‌آموختگان به مؤسسات مرتبط و سهم داران بازار کار؛
- کمک به استادان در رابطه به مقایسه شیوه‌ها و راهبردهای آموزشی با اهداف آموزشی؛
- استفاده به حیث یک الگو و رهنمود برای طرح برنامه‌های آموزشی.

نتایج مورد انتظار

نتایج مورد انتظار یک برنامه عادی آموزشی در سه سطح متفاوت زیر قابل درجه‌بندی است (رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی، ۱۴۰۰):

^۱ - معاون وزیر

^۲ - Formative

^۳ - Summative

^۴ - Pre-assessment

- نتایج مورد انتظار آموزشی وسیع (در سطح دانشکده): نتایج مورد انتظار برنامه تحصیلی^۱ را بیان می‌کند.
- نتایج مورد انتظار آموزشی درازمدت (در سطح گروه): نتایج مورد انتظار رشته تحصیلی^۲ را بیان می‌کند که بر اساس اهداف و نتایج مورد انتظار دانشکده مشخص می‌گردد.
- نتایج مورد انتظار آموزشی کوتاه‌مدت: نتایج مورد انتظار آموزشی درس^۳ را بیان می‌کند که بر اساس هدف و محتوای درس مشخص می‌گردد.

طی مراحل رسمی برنامه درسی:

برنامه‌های درسی به دو طرق ذیل طی مراحل می‌گردند:

۱- به طریق روال به ترتیب زیر:

- (الف) تأیید برنامه درسی در جلسه گروه و درج تصویب آن با ذکر تاریخ جلسه و امضای مدیرگروه؛
- (ب) تأیید برنامه درسی در جلسه شورای علمی دانشکده و درج تصویب آن با ذکر تاریخ جلسه و امضای رئیس دانشکده؛
- (ج) تأیید کمیته برنامه درسی دانشگاه و درج تصویب آن با ذکر تاریخ جلسه و امضای مسئول کمیته؛
- (د) تأیید برنامه درسی در جلسه شورای علمی دانشگاه و درج تصویب آن با تاریخ جلسه و امضای رئیس دانشگاه یا معاون علمی؛
- (ه) ارزیابی و تأییدی کمیسیون ملی برنامه درسی ریاست انکشاف برنامه‌های علمی وزارت تحصیلات عالی؛

^۱ - Program Educational Outcomes

^۲ - Program outcomes

^۳ - Course Learning Outcome

نویسنده اول: همایون رهیاب تبیین تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان...

و) در نهایت تصویب کمیسیون ملی برنامه درسی بعد از صدور حکم انفاذ آن توسط معینیت علمی^۱ وزارت تحصیلات عالی، قابل اجرا بوده و کتباً به مراجع مربوطه ابلاغ می‌گردد (رهنمود بازنگری و انکشاف برنامه‌های درسی، ۱۴۰۰).

۲- از طریق کمیته های تخصصی^۲ بازنگری برنامه های درسی

بعد از تکمیل بازنگری برنامه درسی مربوطه در کمیته تخصصی و تأییدی کمیسیون ملی برنامه درسی با حکم انفاذ آن از جانب معین علمی وزارت تحصیلات عالی؛ برنامه درسی مذکور در تمام دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی از ترم اول به‌طور یکسان قابل اجرا بوده ضرورت به طی مراحل از طریق نهادهای نام‌برده نیست (رهنمود بازنگری و انکشاف برنامه‌های درسی، ۱۴۰۰).

از این‌رو، برنامه ملی بازنگری و توسعه برنامه درسی در اولین اقدام خویش ۱۶۵ رشته تحصیلی را شناسایی و تشخیص نمود تا برنامه‌های درسی آنها مطابق معیارهای جهانی و نیازمندی‌های بازار کار بازنگری شود. از جمله ۱۶۵ برنامه، برنامه درسی ۷۱ رشته تحصیلی از طریق کمیته های تخصصی رشته های مربوطه تا اوایل ۱۴۰۰ بازنگری گردید و قرار بود که تا پایان سال ۱۴۰۰ این برنامه تکمیل گردد (نگاهی به دستاوردهای وزارت تحصیلات عالی، ۱۳۹۹). اما به دلیل تغییر نظام سیاسی در افغانستان سیاسی تکمیل نگردید.

رخدادهای اثرگذار بر حوزه برنامه درسی در این دوره

- ایجاد مرکز تحصیلات فوق لیسانس-دانشگاه تعلیم و تربیه کابل

دانشگاه تعلیم و تربیه کابل، یکی از سابقه‌دارترین نهاد علمی و دانشگاهی تربیت‌معلم در افغانستان است. نخستین هسته آن در سال ۱۳۴۳ به نام "اکادمی تربیه معلم" به هدف تربیت معلمان حرفوی گذاشته شد. اکادمی تربیه معلم در سال ۱۳۶۱ به

^۳- معاون وزیر علوم

^۱- Cluster

"انستیتوت پداگوژی کابل" تغییر نام کرد. انستیتوت پداگوژی کابل در ماه خرداد/جوزا ۱۳۸۱ به "دانشگاه تعلیم و تربیه کابل" ارتقاء یافت و در سال ۱۳۹۱ به "دانشگاه تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی تغییر نام کرد. بعد از سال ۱۴۰۰ دوباره به نام دانشگاه تعلیم و تربیه کابل مسما شد.

با ایجاد مرکز تحصیلات فوق لیسانس در دانشگاه تعلیم و تربیه کابل، اولین برنامه کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۷ به کمک مالی پروژه تحصیلات عالی (HEP) و با همکاری دانشگاه ماساچوست در رشته تعلیم و تربیت ایجاد گردید. در پی آن در سال ۱۳۹۱ دومین برنامه کارشناسی ارشد به کمک مالی سفارت ایالات متحده امریکا و همکاری دانشگاه اندیانا (تدریس زبان انگلیسی به دانشجویان که زبان مادری شان انگلیسی نباشد) در رشته زبان انگلیسی افتتاح گردید. در ادامه در بهمن/دلو ۱۳۹۳ در اثر عقد تفاهم نامه بین وزارت تحصیلات عالی و پروژه USWDP به ایجاد برنامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت و رهبری تعلیم و تربیت در دانشگاه تعلیم و تربیه کابل موافقت به عمل آمد، این سومین برنامه کارشناسی ارشد در دانشگاه نام برده است. برنامه کارشناسی ارشد رشته تعلیم و تربیت باهدف ارتقای ظرفیت علمی و تخصصی استادان دانشکده های تعلیم و تربیت دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی به کمک مادی و معنوی USAID از طریق پروژه تحصیلات عالی^۱ با هماهنگی دانشگاه ماساچوست^۲ و وزارت تحصیلات عالی در تشکیل دانشگاه تعلیم و تربیه کابل ایجاد گردید. هزینه مالی آن توسط آژانس توسعه ای بین المللی ایالات متحده^۳ به دانشگاه ماساچوست پرداخت می شد. دانشگاه ماساچوست نقش اجرایی برنامه را داشت و بیشتر در زمینه اعزام استاد و تهیه برنامه های درسی همکاری می نمود. برنامه درسی آن از لحاظ کیفیت، معادل برنامه های درسی UMASS ایالات متحده امریکا بود. بعد از اتمام بودجه و قطع کمک های مالی از جانب آژانس توسعه ای بین المللی ایالات

^۱ - Higher Education Project

^۲ - UMASS

^۳ - USAID

نویسنده اول: همایون رهیاب تبیین تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان...

متحد، سرانجام همکاری دانشگاه ماساچوست به پایان رسید و مدیریت آن به وزارت تحصیلات عالی واگذار گردید. دانشجویان این برنامه که بیشترشان استادان دانشگاه‌ها و مؤسسات تربیت‌معلم بودند، توانستند مهارت‌های عالی را در بخش‌های ساخت برنامه درسی، برنامه‌ریزی، تحقیق، روش‌های جدید تدریس، ارزیابی و رهبریت در تعلیم و تربیت کسب نمایند (وبسایت دانشگاه تعلیم و تربیه کابل، ۱۴۰۰).

- ایجاد ریاست انکشاف برنامه‌های علمی:

ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، برنامه‌ریزی درسی را در سطح آموزش عالی افغانستان به عهده دارد. این اداره مطابق خط مشی خویش که در سال تحصیلی ۱۳۹۷ تدوین گردیده بود، از همان سال به بعد به منظور بازنگری برنامه‌های علمی مؤسسات آموزش عالی مورد استفاده قرار می‌گرفت و فعالیت‌های مؤسسات آموزش عالی را در چهار بخش مورد پوشش قرار می‌داد:

- **ایجاد و تأیید برنامه‌های علمی جدید:** پیشنهاد برای ایجاد برنامه علمی جدید در مطابقت با اولویت‌های محلی، ملی با در نظر داشت نیازمندی‌های بازار کار و امکانات موجود در نهاد تحصیلی به منظور ارائه خدمات تحصیلی باکیفیت تدوین و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

- نظارت سالانه از برنامه‌های علمی: فعالیت رسمی است که توسط همه گروه‌های مربوط در یک موسسه آموزش عالی به منظور بررسی اثربخشی برنامه‌های علمی و تشخیص ساحاتی که ضرورت به توسعه دارد، انجام می‌شود.

- بازنگری دوره‌ای برنامه‌های علمی: فعالیت رسمی است که توسط موسسه آموزش عالی در هر پنج سال به صورت عادی یکبار به منظور ارزیابی پایداری، کیفیت و تطبیق استاندارد^۱ های تعریف‌شده در هر برنامه علمی و تشخیص تغییرات لازم در برنامه‌های علمی اجرا می‌شود (ره‌نمود مرور برنامه‌های علمی، ۱۳۹۹).

^۱ - معیار

- تعلیق، ادغام و الغای برنامه‌های علمی:

تعلیق: روندی است که در آن برنامه درسی به دلیل مشکلات تشخیص شده برای زمان معین متوقف می‌شود.

ادغام: روندی است که در آن دو و یا چند برنامه علمی به دلیل داشتن تشابهات زیاد در اهداف آموزشی و برنامه درسی، باهم تلفیق می‌شوند.

الغا: روندی است که در آن یک برنامه علمی به دلایل مختلفی که قبلاً تشخیص شده؛ هیچ اقدامی مثبتی صورت نگرفته باشد و یا هم دیگر به آن نیاز نباشد، به‌طور دائمی متوقف می‌گردد.

هدف عمده تدوین این خط مشی، حصول اطمینان از روند فعالیت‌های علمی تمام موسسه‌های آموزش عالی در زمینه ارائه برنامه‌های علمی مناسب، بهبود کیفیت برنامه‌های علمی به گونه مستمر و فراهم‌سازی زمینه آموزش عالی مبتکرانه و باکیفیت برای دانشجویان بود. خط مشی اداره مذکور در تمام موسسه‌های آموزش عالی دولتی و خصوصی به‌عنوان یک رهنمود واضح قابل استفاده بود و انتظار می‌رفت برای مدت ۵ تا ۱۰ سال آینده مورد استفاده موسسه آموزش عالی قرار گیرد. در طول این مدت موسسه آموزش عالی در زمینه تدوین برنامه درسی و مدیریت مجموعه برنامه‌های علمی به آزادی اکادمیک دست یابد (پالیسی بازنگری برنامه‌های علمی، ۱۳۹۶).

- رهنمود بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی

رهنمود بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی آموزش عالی بر مبنای ماده ۱۴ قانون تحصیلات عالی ملکی افغانستان (قانون تحصیلات عالی ملکی، ۱۳۹۴) و احکام مقرر آموزش دوره لیسانس وزارت تحصیلات عالی (مقرر آموزش دوره لیسانس، ۱۳۹۹) به‌منظور توسعه و بازنگری برنامه‌های درسی تدوین گردیده است.

نویسنده اول: همایون رهیاب تبیین تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان...

در این رهنمود نظام واحد درسی^۱ و نحوه ساختار درس‌ها با درصدی آن در یک مقطع تحصیلی، ساخت برنامه درسی در آموزش عالی، نیازسنجی، نتایج مورد انتظار، راهبرد تحصیلی، سرفصل‌ها، و برنامه‌ریزی درسی ترم وار و هفته وار توضیح داده شده است (رهنمود بازنگری و انکشاف برنامه‌های درسی، ۱۴۰۰).

مسائل و مشکلات در خصوص بازنگری برنامه‌های درسی

عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دیدگاه‌های متفاوت نسبت به آموزش مدرن، تعدد زبان آموزش اعم از ملی و بین‌المللی، شیوه‌های ناقص آموزش و تدریس، سیاست‌های توسعه‌ای نامتوازن^۲، کمبود هیئت‌علمی در مقاطع تحصیلات تکمیلی و منابع درسی، از چالش‌های آموزش عالی و برنامه‌های درسی در این دوره بوده است (ابراهیمی، ۲۰۱۴ و اندیشمند، ۱۳۸۹). این چالش‌ها پیامدهای زیبا برای برنامه‌های درسی به وجود آورده بود:

موجودیت برنامه‌های درسی متعدد در سطح گروه‌ها؛ نبود اهداف آموزشی رشته؛ عدم توضیح وظایف استاد و دانشجو؛ عدم تعریف دقیق از لایحه سیستم کریدیت^۳؛ تعریف نشدن منابع ملی و بین‌المللی برای درس‌ها؛ عدم تعریف دقیق از نوع درس و اهداف آن؛ غیبت تعدادی درس‌های مهم و کاربردی در برنامه‌های درسی رشته‌ها؛ کم بودن تعداد واحد درسی بعضی از درس‌ها؛ عدم همخوانی تعدادی از درس‌ها با رشته؛ تناقض نام بعضی از درس‌ها با محتوای آن‌ها؛ عدم نقشه‌های مفهومی برای درس‌ها. (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸؛ هیوارد، ۲۰۱۵؛ موسوی ۲۰۱۹). از این رو در بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی این دوره تلاش شد تا این معایب در برنامه‌های آینده رفع گردد.

۱- سیستم کریدیت

۲- دانشگاه‌ها از امتیاز یکسان بهره‌مند نبودند.

۳- نظام واحد درسی

نقد و بررسی

در این بخش به نقد و بررسی فرایند بازنگری و تحول برنامه‌های درسی به شرح زیر پرداخته شده است. در خصوص بازنگری برنامه‌های درسی در این دوره، مقامات رسمی دولت خواستار بازنگری و اصلاح برنامه درسی دانشگاهی شد (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸). درحالی‌که در کمیسیون ملی بازنگری و در ریاست انکشاف برنامه‌های علمی متخصصین برنامه درسی حضور و عضویت نداشتند. در روند بازنگری برنامه‌های درسی از متخصصین این رشته دعوت نگردیده بود. چون روند انتخاب بگونه بود که توسط نامه رسمی از دانشگاه‌های خواسته می شد که نماینده خویش را به کمیسیون معرفی نمایند. نخست اینکه در اکثر دانشگاه‌ها متخصص برنامه درسی حضور نداشت و اگر حضور هم می داشت، ریس دانشکده و دانشگاه صلاحیت انتخاب و معرفی استادان را داشتند و سعی می نمودند افراد مورد نظر خویش را انتخاب نمایند. علاوه بر آن، ریاست انکشاف برنامه‌های علمی که مسئول طراحی، تدوین، بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی آموزش عالی است، نه تنها کارشناسان این اداره بلکه مدیران ارشد آن هم متخصص برنامه درسی نبودند (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸). مؤسسات بین‌المللی نیز نقش مشاور را داشتند و هزینه‌های مالی برنامه را تأمین می کردند و گاهی زمینه آموزش‌های کوتاه‌مدت را برای اعضای کمیسیون ملی بازنگری در خارج از افغانستان فراهم می نمودند.

هدف از بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاهی، معیاری سازی و رفع نیازمندی‌های بازار کار بود (رهنمود بازنگری و انکشاف برنامه‌های درسی، ۱۴۰۰)، ایجاب می کرد که رشته برنامه درسی به عنوان یک نیاز در آموزش عالی ایجاد گردد، اما نه تنها تا هنوز ایجاد نگردیده، بلکه اراده هم برای ایجاد آن وجود ندارد.

بازنگری برنامه درسی با شعار "ملت واحد- نصاب تحصیلی واحد" آغاز گردید و هدف آن تدوین برنامه درسی واحد در همه رشته‌ها و دانشگاه‌های سراسر افغانستان بود (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸) که در نوع خود یک رویکرد متمرکز است. درحالی‌که در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، ناکارآمدی برنامه درسی متمرکز مشخص

نویسنده اول: همایون رهیاب تبیین تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان...

گردیده بود. ازاین‌رو فرایند برنامه‌ریزی درسی باید با محوریت مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها انجام می‌شد (سابار، ۱۹۹۷).

در فرایند بازنگری به همسان‌سازی برنامه درسی با کشورهای منطقه و جهان اشاره شده بود (ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، ۱۳۹۸)، این در حالی است که نباید شرایط محیطی، اجتماعی و امکانات موجود در طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی را نادیده گرفت. فتحی (۱۳۹۵) به نقل از پاینار (۱۹۷۵) می‌نویسد، تقلید و الگوبرداری برنامه‌های درسی، به معنی از دست دادن و با تجزیه خودی است. لادن سلیمی (۱۳۹۳) بدین باور است که برنامه درسی باید بر پایه فرهنگ هر کشوری شکل گیرد.

تنوع اقوام، فرهنگ و زبان در افغانستان چالش بزرگی در نظام آموزش عالی این کشور است. ازاین‌رو، نظام آموزش عالی باید برای توسعه و گسترش ارزش‌های مشترک فرهنگی در یک جامعه چند فرهنگی تلاش نماید و به ارزش‌های فرهنگی اقوام اهمیت داده شود (یار محمدیان، ۱۴۰۰). باوجود این، بر بنیاد اسناد و مدارک موجود در کمیسیون ملی نصاب تحصیلی و کمیته بازنگری برنامه‌های درسی، این چالش جدی گرفته نشده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بازنگری و تحول برنامه‌های درسی آموزش عالی از سال ۱۳۸۱-۱۴۰۰، به دو مرحله یکی "نیازسنجی و دیگری بازنگری برنامه‌های درسی" انجام شده است. نتایج نیازسنجی نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی نه تنها معیاری و مطابق نیازمندی‌های جامعه ملی و بین‌المللی نبود، بلکه انسجام و همخوانی بین برنامه‌های درسی در سطح دانشگاه‌ها وجود نداشت. ازاین‌رو اجماع نظر بین دانشجویان و سیاست‌گذاران آموزش عالی در مورد بازنگری وجود داشت، چون برنامه‌های درسی پاسخگوی نیازمندی‌های روز نبود. بنابراین، در گام نخست بسترسازی برای تغییر، اصلاح و تدوین برنامه‌های درسی آموزش عالی صورت گرفت. رهنمودی در زمینه آماده شد و کمیسیون ملی برنامه درسی تشکیل گردید.

مرحله‌ی دوم، دوره‌ی عمل بازنگری و تحول برنامه‌های درسی محسوب می‌شود. فرایند عملیاتی بازنگری از سال ۱۳۹۶، در تمام رشته‌ها از سطح گروه‌ها، دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها و نفع بران از نهادهای دولتی و خصوصی آغاز شد و مدل‌های متعدد سایر کشورها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. بازنگری به صورت متمرکز انجام می‌شد، زیرا رویکرد غالب در این دوره واحد بودن برنامه‌های درسی بود. شعار کمیسیون ملی بازنگری نیز "نصاب واحد- ملت واحد" بود. مدل‌های متمرکز و هدایت‌شده از بالا به پایین رواج داشت اما بعدها تغییراتی تدریجی از درون آغاز شد و به منظور حرکت در جهت نهادینه کردن مشارکت دانشگاه‌ها در مدیریت آموزش عالی، تمرکززدایی و ارتقای سطح کیفیت آموزش عالی، زمینه مشارکت دانشگاه‌های واجد شرایط اعم از دولتی و خصوصی در امر برنامه‌ریزی درسی مساعد گردید. بر بنیاد آن، نمایندگان دانشگاه‌های متذکره در کمیسیون ملی برنامه‌ریزی درسی عضویت یافتند. برای دانشگاه‌ها اختیاراتی تفویض شد که بر اساس نیازمندی‌های جامعه و تحولات علمی روز، پیشنهاد ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید را ارائه نمایند. این امر ظاهراً باعث انطباق هرچه بیشتر برنامه درسی با نیازهای جامعه، نهادینه کردن برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها، روزآمد شدن برنامه‌ها با توجه به تحولات دانش بشری و تناسب بیشتر برنامه‌های درسی با امکانات و توانایی دانشگاه‌ها شده بود؛ اما نظام برنامه‌ریزی به شکل متمرکز باقی ماند و بازنگری‌ها هم تکمیل نگردید. چون در برنامه ملی بازنگری ۱۶۵ رشته تحصیلی قبل از بازنگری شناسایی و تشخیص شده بود که مطابق معیارهای جهانی و نیازمندی‌های بازار تا پایان سال ۱۴۰۰ بازنگری می‌شد. ازجمله ۷۱ برنامه توسط کمیسیون ملی نصاب تحصیلی و ریاست انکشاف برنامه‌های علمی تا سال ۱۴۰۰ بازنگری و تدوین گردید، اما بازنگری بقیه برنامه‌ها با سقوط نظام جمهوری در مردادماه/اسد ۱۴۰۰، و حاکمیت امارت اسلامی به حالت تعلیق درآمد. درحالی‌که ایجاد برنامه فوق‌لیسانس در نهادهای آموزش عالی منوط به بازنگری و اصلاح برنامه درسی آن بود. وزارت تحصیلات عالی ایجاد هر نوع برنامه فوق‌لیسانس را مشروط به اصلاح و بازنگری برنامه‌های درسی نهادهای آموزش عالی نموده بود.

نویسنده اول: همایون رهیاب تبیین تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان...

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی بازنگری شده در این دوره با اصول علمی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی کاملاً منطبق نبود. به بافت‌های اجتماعی توجه کافی صورت نگرفته بود، زیرا تصمیم‌گیری‌ها اغلب حاصل تجربه و پیشنهاد صاحب‌نظران و استادان حاضر در جلسات بود که اکثراً متخصص موضوعی بودند نه متخصص حوزه مطالعات برنامه درسی؛ و سطح تحصیلی بیشترشان کارشناسی و ارشد بود.

از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان در دوره‌های مختلف به‌طور غیرتخصصی بازنگری شده است. به ساختارهای اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی-مذهبی کمتر پرداخته شده است. این برنامه‌ها در ضمن معایب و خلای تخصصی، پیامدهای نیز داشت که برای افغانستان خیلی گران تمام شد.

پیشنهاد ها و سفارشات

در دانشگاه ها رشته برنامه درسی باید ایجاد شود و متخصصین برنامه ریز در مقاطع مختلف تربیت گردد. چون یکی از چالش ها غیبت متخصصین برنامه درسی در طراحی، تدوین، تغییر و اصلاح برنامه های درسی آموزش عالی بوده است. متخصصین داخلی در کنار درک و شناخت بیشتر از جامعه و نظام آموزش عالی، یک نوع علاقه مندی برای کار دارند. در ضمن در صورت امکان ایجاد انجمن مطالعات برنامه درسی نیز ضرورت است. این انجمن قادر خواهند بود که نظام برنامه ریزی درسی را ارزشیابی و آسیب شناسی نماید و راهکار ارائه کند.

منابع

- اندیشمند، محمد اکرام. (۱۳۸۹). معارف عصری افغانستان "۱۳۸۹-۱۲۸۲ هـ ش ۱۹۰۳-۲۰۱۰". کابل: انتشارات میوند.
- جریده رسمی. (۱۳۹۹). مقررہ آموزش دوره لیسانس. کابل: انتشارات وزارت عدلیه.

- جریده رسمی. (۱۳۹۴). *قانون تحصیلات عالی ملکی*. کابل: انتشارات وزارت عدلیه.
- خبرگزاری صدای افغان (آوا)، (۱۳۹۶/۵/۲۶). *تحصیلات عالی افغانستان نیازمند تغییر و تحول است / نفاق و سیاست‌های کوچک در دانشگاه‌ها جای ندارد*. کد خبر ۱۱۰۶۹۴ : <https://avapress.com/fa/۱۱۰۶۹۴/>
- رهنمود مرور برنامه‌های علمی. (۱۳۹۹). کابل: انتشارات دفتر بریتش کنسل.
- ریاست انکشاف برنامه‌های علمی (۱۳۹۶). *پالیسی بازنگری برنامه‌های علمی*. سایت وزارت تحصیلات عالی.
- ریاست انکشاف برنامه‌های علمی (زمستان ۱۳۹۸). *برنامه ملی بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی پوهنتون‌های کشور*. نصاب تحصیلی رشته تاریخ دانشکده تعلیم و تربیه. کابل: وزارت تحصیلات عالی.
- ریاست انکشاف برنامه‌های علمی. (۱۳۹۹ / ۱۰ / ۱۷). *گزارش سال ۱۳۹۹ برنامه ملی بازنگری و انکشاف نصاب‌های تحصیلی*. کابل: ریاست انکشاف برنامه‌های علمی، وزارت تحصیلات عالی افغانستان.
- فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۹۵). *برنامه درسی به‌سوی هویت‌های جدید*. تهران: انتشارات آبیژ.
- فولن، مایکل. (۱۹۸۵). *تغییر برنامه درسی*. ترجمه احمد رضا نصر (۱۳۸۱). *مندرج در کتاب : برنامه درسی : نظر گاهها، رویکردها و چشم‌اندازها، پدیدآورنده: محمود مهر محمدی . مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی*.
- گال، بورگ و، گال. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*. ترجمه: نصر و همکاران. تهران: انتشارات سمت.

نویسنده اول: همایون رهیاب تبیین تحول و بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی افغانستان...

- کمیسیون ملی نصاب تحصیلی. (تابستان ۱۴۰۰). رهنمود بازنگری و انکشاف نصاب تحصیلی. کابل: انتشارات وزارت تحصیلات عالی.
- لادن سلیمی، نرگس کشتی آرای و فتحی واجارگاه. (۱۳۹۳). تبیین سیر تحول و اصلاح نظام برنامه درسی آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی در ایران. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. سال ۵، شماره ۹. بهار و تابستان ۱۳۹۳ ص ۵۲-۷۳.
- نصر، احمد رضا. اعتماد زاده، هدایت . و نیلی، محمدرضا. (۱۳۸۶). برنامه درسی و طراحی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- وب‌سایت دانشگاه تعلیم و تربیه کابل. (۱۴۰۰). تاریخچه مرکز تحصیلات فوق لیسانس-پوهنتون تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی: <https://keu.edu.af/dr>
- وزارت تحصیلات عالی جمهوری اسلامی افغانستان. (۱۳۹۹). نگاهی به دستاوردهای وزارت تحصیلات عالی در سال ۱۳۹۹. کابل: انتشارات وزارت تحصیلات عالی.
- وزارت تحصیلات عالی جمهوری اسلامی افغانستان. (۱۳۹۵). پلان استراتژیک ملی تحصیلات عالی ۱۳۹۵-۱۳۹۹.
- یارمحمدیان، محمدحسین. (۱۴۰۰). مبانی و اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- Adam, F. (۲۰۰۹). *Curriculum Reform in Higher Education: Humanities Case Study*. PhD. Thesis, University of the Witwatersand , Johannesburg, South Africa.
- Babury, Mohammad .Osman. & Hayward. M, Fred. (۲۰۱۴). *Afghanistan Higher Education The Struggle for Quality, Merit, and*

Transformation. Planning for Higher Education Journal | V۴۲N۲
January–March ۲۰۱۴.

- Daniel, Couch. (۲۰۱۸): *The policy reassembly of Afghanistan's higher education system*. Globalisation, Societies and Education, DOI: ۱۰.۱۰۸۰/۱۴۷۶۷۷۲۴,۲۰۱۸,۱۵۲۳۷۰.
- Davis, D.C., Rhodes, R., & Baker, A.S.(۱۹۹۸). *Curriculum revision: Reaching faculty consensus through the nominal group technique*. Journal of Nursing Education, ۳۷(۷),۳۲۶-۳۲۸.
- Johnson, B., Christensen, L. (۲۰۱۲). *Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches*.USA: SAGE Publication, ۶۲۵ p.
- Hayward, M. Fred. (۱۰۱۵). *Transforming Higher Education in Afghanistan: Success Amidst Ongoing Struggles*. Society for College and University Planning. www.scup.org © ۲۰۱۵ by the Society for College and University Planning All rights reserved. Published ۲۰۱۵.ISBN ۸۷۸-۱-۹۳۷۷۲۴-۵۱-۱
- Hicks, O. (۲۰۰۷). *Curriculum In Higher Education In Australia Hello?* In Enhancing Higher Education Theory And Scholar Ship, Proceeding of The Goth Herdsa Annual Conference.
- Ibrahimi,N. (۱۰۱۴). *Bureaucratic Policies and Patronage Politics* Prospects and Challenges of Private Higher Education in Afghanistan: Afghanistan Analysts Network. Afghanistan Watch.
- Lowton, D. (۱۹۹۳). *Curriculum Studies and Educational Planning*. London: Hodder and Stought, P.۳۰.
- Mussawy, Sayed Ahmad Javid. (۱۰۱۹). *The Challenges of Quality Assurance and Accreditation in Afghanistan: A Policy Implementation Analysis*. JOURNAL OF COMPARATIVE AND INTERNATIONAL HIGHER EDUCATION ۱۱ (۱۰۱۹).
- Sabar, N. (۱۹۹۷).*Curriculum Development Centers*. International Encyclopedia of Education.

- Samady, Saif R.(۱۰۱۳). *Changing profile of education in Afghanistan*. ۱۰۱۳, ۱۵ S. - URN: urn:nbn:de:۰۱۱۱-opus-۷۷۹۸۰.
- Samady, Saif R.(۲۰۰۱). *Education and Afghan Society in the Twentieth Century*. UNESCO ۲۰۰۱. Printed in France.
- Stark , J. (۱۹۹۷). *Program and Level Curriculum Development*. Research in Higher Education, Vol,۲۸,NO,۱.
- Taheryar, Homayoon. (۲۰۱۷). *"Perceptions of Quality in Higher Education in Afghanistan: A Case Study of Shaheed Rabbani Education University"* (۲۰۱۷). Master's Capstone Projects. ۱۸۶. http://scholarworks.umass.edu/cie_capstones/۱۸۶.
- Union. Mazzoli, J. A. (۲۰۰۰). *Faculty Perception and Their Influence on the Curriculum in Higher Education*. Doctoral Dissertation in University of South Carolina, P.۱۳۵.



